میکروفیلم تهیه شد

آستان قدس

## کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب لب التواریخ فارسی تاریخ

مصنف
امیر یحیی بن عبداللطیف قزوینی
مؤلف

خطی نستعلیق ۱۲ سطری
چاپی

سال چاپ یا تحریر ........ عدد اوراق ۱۶۸

جزء کتب تاریخ شماره خصوصی ........

شماره عمومی ۱۲۲۷۲ شماره قبض ........

واقف سید صدرالدین تبرائی تاریخ وقف برابر ۱۳۶۱

طول ۲۷ عرض ۱۷ شماره صفحات ........

وجهانبانی مظهر الطاف آلهی در درج سیادت و پادشاهی مطلع انوار
هدایت دودمان پیغمبری منبع آثار شجاعت خاندان حیدری آنکه در باغ
شهریاری و اقبال نهالیست بی همال و در بوستان رافت و افضال سرویست
بحدّ کمال حدت طبع نقادش بمرتبهٔ اعلی و دقت ذهن وقادش بدرجهٔ قصوی

دلش بچشم یقین از دریچهٔ امروز    همه مشاهدهٔ احوال عالم فرداست

نتایج اقلام مظهر انوارش رقم نسخ بر خطوط استادان تعلیق کرده و آثار ارقام
کلک بدایع نگارش غبار تشویر بر چهرهٔ گل و ریحان توقیع نموده نظم

محقق است که گر ابن مقله زنده شود    تراشهٔ قلمش را بمقله بردارد

همیشه گوی سبقت در میدان سعادت از ارباب دولت ربوده و پیوسته زبان
اهل جهان بحسن شمایل و لطف خصایل محمود و ممدوح بوده نظم

کمال ذات شریفش ز شرح مستغنیست    بماهتاب چه حاجت شب تجلّی را

رکن السلطنة القاهره عضد الخلافة الباهره شجاع السلطنة و الرافة والعدالة
النصفة والاقبال ابو الفتح بهرام میرزا الحسینی الصفوی لا زالت رایات نصرته
حشمته وعنایته وکماله مأثوره منشوره در سلک کتابت منتظم

میکردد و درزیب و زینت کلام بمستشهدات آیات واخبار وامثال طریق تکلف
مسلوک نمیدارد تا مقصود محجوب نگردد و هرکس فهم مطلوب ازان بسهولت تواند
کرد واین مختصر موسوم است بلب التواریخ و مشتمل است بر چهار قسم
قسم اول در بیان حال هدایت مآل حضرت سید المرسلین وائمه معصومین
وآن بر دو فصل است فصل اول در ذکر حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم
فصل دوم در ذکر ائمه هدی علیه التحیة والثنا قسم دوم در ذکر پادشاهانی
که قبل از اسلام بوده اند وآن بر چهار فصل است فصل اول در ذکر پیشدادیان یازده تن
مدت ملکشان دو هزار و چهارصد و پنجاه سال فصل دوم در ذکر کیانیان ده پادشاه مدت
ملکشان هفتصد و سی و چهار سال فصل سوم در ذکر ملوک طوایف دو شعبه
بیست و دو تن مدت ملکشان سیصد و هفتده سال فصل چهارم در ذکر ساسانیان
که ایشانرا اکاسره خوانند سی و یک تن مدت ملکشان پانصد و بیست سال قسم سوم
در ذکر جمعی که بعد از اسلام حکومت و سلطنت داشته اند وآن مشتمل بر سه مقاله
و شش باب است مقاله اول در ذکر جمعی که بعد از وفات حضرت رسول صلی الله علیه
وآله وسلم متصدی امر حکومت شده اند مقاله دوم در ذکر تغلب و تسلط ملوک بنی



امیه مقاله سوم در ذکر بنی عباس باب اول در ذکر طبقات سلاطین ایران که
در زمان بنی عباس متصدی امر سلطنت بوده اند وآن بر یازده فصل است
فصل اول در ذکر طاهریان فصل دوم در ذکر صفاریان فصل سوم در ذکر
سامانیان فصل چهارم در ذکر غزنویان فصل پنجم در ذکر غوریان فصل ششم
در ذکر آل بویه فصل هفتم در ذکر سلجوقیان فصل هشتم در ذکر خوارزمشاهیان
فصل نهم در ذکر اتابکان فصل دهم در ذکر اسماعیلیان و ایشان دو شعبه اند
فصل یازدهم اسمعیلیان مغرب اند شعبه دوم اسمعیلیان ایران فصل یازدهم
در ذکر سلاطین قراختای بکرمان باب دوم در ذکر سلاطین مغول باب سوم در ذکر
ملوک طوایف که بعد از سلاطین مغول در ایران حکومت کرده اند وآن مشتمل
بر پنج فصل است فصل اول در ذکر چوپانیان فصل دوم در ذکر ایلکانیان فصل سوم
در ذکر شیخ ابو اسحق اینجو و مظفریان وآن بر دو مقاله است مقاله اول در ذکر
شیخ ابو اسحق مقاله دوم در ذکر مظفریان فصل چهارم در ذکر ملوک کرت فصل پنجم
در ذکر سربداران باب چهارم در ذکر امیر تیموریان باب پنجم در ذکر پادشاهان
ترک وآن دو فصل است فصل اول در ذکر قراقوینلو فصل دوم در ذکر آق قوینلو

باب ششم در ذکر سلاطین ازبکیه که بعد از سنه تسعمائه بما وراء النهر وخراسان
آمده اند قسم چهارم در ذکر پادشاهان خاندان ولایت و دودمان امامت
و هدایت علیه عالیه صفویه حفهم الله بالانوار الجلیه القدسیه والدوله السرمدیه
که مقصود اصلی ازین تالیف نشر مناقب بهیه و مآثر رفیعه ایشانست والله
المستعان و علیه التکلان قسم اول در بیان احوال هدایت مآل حضرت سید المرسلین
و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و آن بر دو فصل است فصل اول در ذکر
حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ولادت آنحضرت روز جمعه وقت طلوع
آفتاب هفدهم ربیع الاول و بروایت عامه روز دوشنبه بعد از طلوع صبح صادق
دوازدهم ربیع الاول عام الفیل در عهد کسری انوشیروان عادل در مکه مبارکه شرفها الله
تعالی بوده کنیت مبارکش ابو القاسم است و نام مشهور آنحضرت محمد و احمد است
چنانچه قرآن عظیم بدان ناطق است و نسب شریفش اینست محمد بن عبد الله بن عبد المطلب
بن هاشم بن عبد مناف بن زهره بن کلاب مره بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر
بن مالک بن نضر بن نزار بن معد بن کنانه بن خزیمه بن مدرک بن الیاس بن نضر بن عدنان
و نسب عدنان باسمعیل بن ابراهیم علیه السلام می پیوندد اما محقق نشده که بوسطه چند است



و مادر آنحضرت آمنه خاتون بنت وهب بن عبد مناف بن زهره بن کلاب بن
مره است و مرضعه آنحضرت اول چند روز ثوبیه کنیزک ابولهب بوده و بعد از و حلیمه
بنت عبد الله بن الحارث السعدیه از بنی سعد بن بکر بن هوازن و پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم هنوز متولد نشده بود که پدرش عبد الله در مدینه درگذشت و چون
سن مبارکش بشش سالگی رسید مادرش آمنه وفات یافت و بعد از فوت آمنه
جدش عبد المطلب محافظت می نمود و چون هشت ساله شد عبد المطلب درگذشت
بعد از ان ابو طالب که عم اعیانی آنحضرت بود کفیل او شد و رعایت و حمایت آنحضرت
قبل از ظهور نبوت و بعد از ان بواجبی مینمود و بر تمام فرزندان خود ترجیح و تقدیم
میکرد و چون دوازده ساله شد ابو طالب آنحضرت را همراه خود بتجارت شام برد
و بصواب دید بحیرا راهب که علامات نبوت در آنحضرت مشاهده کرده بود باز
گردانید که مبادا جهودان در حق او غدری کنند و در بیست و پنج سالگی بجهت خدیجه
علیها السلام بتجارت شام رفت چون ازین سفر مراجعت فرمود خدیجه را در نکاح
در آورد چون سی و پنج ساله شد قریش خانه کعبه را عمارت میکردند آنحضرت دران
کار حکم فرمود و حجر الاسود بدست مبارک خود برکن عراقی نشاند و چون سن شریف

آنحضرت چهل سال تمام شد جبرئیل علیه السلام در غار حرا بر وظاهر شد وحق سبحانه
تعالی او را بشرف وحی مشرف گردانید و به نبوت بخلق فرستاد و قرآن نازل گشت
آنحضرت تا مدت سه سال مردم را در خفیه بدین اسلام دعوت میفرمود و مردم اندک
اندک بدین در می آمدند بعد از سه سال بفرمان آلهی دعوت دین آشکارا کرد و بتان قریش را
دشنام داد و کفار قریش در مقام اذیت و انکار شدند و مسلمانان را زحمت بسیار
میدادند و مبالغه در ایذای ایشان میکردند پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در ماه رجب
سال پنجم از نبوت بواسطه ایذای کفار بعضی از مسلمانان را بحبشه فرستاد و در سال هفتم
کفار قریش از غایت خشم و عداوت اتفاق نمودند و عهد بستند که با بنو هاشم
مناکحت و مبایعت و مکالمت نکنند و عهدنامه درین باب نوشتند و بر در خانه کعبه
آویختند و قصد آنحضرت داشتند ابو طالب جهت احتیاط که مبادا کفار در حق
آنحضرت غدری کنند ویرا با سایر بنو هاشم بحصاری که آنرا شعب خواندندی
در آورد و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم با بنو هاشم قریب بسه سال در آن شعب که تعلق
با بو طالب داشت بسختی و تنگی گذرانیدند عبد الله عباس رضی الله عنه در آنجا متولد
شد و بعد از آن بعضی از قریش که میل بجانب بنو هاشم داشتند آن عهدنامه باطل کردند و پیغمبر



صلی الله علیه و آله وسلم و ابو طالب و بنو هاشم از آن شعب بمنازل خود آمدند و در
منتصف شوال سال دهم از نبوت ابو طالب وفات یافت و بعد از او خدیجه بسه روز
در گذشت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم آن سال را عام الحزن خواند و بعد از و برادرش
عباس امیر مکه شد مردی حلیم بود اذیت قریش از پیغمبر علیه السلام دفع نمیتوانست
کرد دست جفا و جور دراز کردند و آنحضرت را ایذای که پیشتر از آن قادر نبودند مینمودند
چنانکه آنحضرت در مکه نتوانست بود بجانب طایف رفت و یکماه در طایف بسر برد کسی
دین او نپذیرفت و با او جفا کردند متوجه مکه شد و در راه گروهی از جن بدان حضرت
رسیدند و مسلمان شدند و مکیان اتفاق کرده بودند که آنحضرت را در شهر نگذارند
مگر مطعم بن عدی از اهل مکه بخلاف ایشان برخاست و پیغمبر را صلی الله علیه و آله
وسلم امان داده بمکه آورد پس حضرت را بخانه خود تشریف داد و مطعم و اولاد وی از آن
سر و خنجر دار می بودند و محافظت وی مینمودند آنحضرت بامر حق تعالی بر ایذای
کفار صبر میفرمود و در سال یازدهم شش کس از مدینه از قبیله خزرج که در موسم حج
بمکه آمده بودند با آنحضرت ملاقات کردند و مسلمان شده بمدینه بازگشتند و مردم را
در مدینه باسلام میخواندند ذکر آنحضرت در مدینه فاش شد و در سال دوازدهم معراج

اتفاق افتاد و در سال سیزدهم هفتاد مرد و دو زن از مردم مدینه در شب دوم
از ایام تشریق در خفیه مسلمان شده با آنحضرت بیعت کردند که متابع و فرمان بردار باشند
و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم دوازده نقیب در میان ایشان تعیین فرمود و مصعب
ابن عمیر را همراه ایشان بمدینه فرستاد تا ایشانرا قران و شریعت تعلیم کنند و اکثر
اهل مدینه بر دست او مسلمان شدند و چون کفار قریش بر قصد پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم اجماع کردند آنحضرت صحابه را بتفاریق بمدینه فرستاد و حضرت امیر المومنین علی
علیه السلام را در مکه بمنزل خود باز گذاشت تا ودایعی که از مردم آنحضرت بود بصاحبان
رساند خود از عقب ایشان بفرمان آلهی سال چهاردهم از نبوت در ماه ربیع الاول در
مدینه آمد و در محله قبا نزول فرمود و درین ایام حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
از مکه بیرون آمده بدان حضرت ملحق شد و پیغمبر علیه السلام بعد از چهارده شبانروز
از منزل ابو ایوب انصاری نقل فرموده در حدود آنجا زمینی که اکنون بقعهٔ
مبارکه است بخرید و بر و مسجد و خانه ساخت و مردم مدینه آنحضرت را نصرت کردند و بدین
سبب انصار لقب یافتند و آنحضرت با بعضی از جهودان که در شهر مدینه بودند
و حوالی آن صلح فرمودند و سلمان فارسی بخدمت آنحضرت آمد و مسلمان شد و پیغمبر صلی الله



علیه و آله وسلم میان یاران عقد مواخات بست پس حضرت امیر المومنین علی
علیه السلام فرمود که میان یاران عقد مواخاه بستی و مرا هیچ برادری تعیین ننمودی
آنحضرت فرمود که انت اخی فی الدنیا و الآخرة تو برادر منی در دنیا و آخرت و بفرمان
آلهی فاطمه را علیها السلام با حضرت امیر المومنین علی علیه السلام تزویج فرمود و قبله
بجانب کعبه محول شد و مدت ده سال که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در مدینه تشریف
داشت پنجاه و شش سریه بر سر دشمن فرستاد و بیست و هفت بار با کفار بامر حق تعالی
غزا کرد و تفصیل آنها در کتب مفصله مذکور است اما در نه غزوه آنحضرت بنفس مبارک خود
با کفار مقاتله واقع شد اول غزوه بدر است که در صباح روز جمعه هفدهم رمضان
سال دوم از هجرت واقع شد پیغمبر صلی الله و علیه و آله وسلم با سیصد نفر از مهاجر
و انصار و بعضی گفته اند سیصد و سیزده کس در موضعی که آنرا بدر خوانند با قریش
که مقدم ایشان ابوجهل علیه اللعنه بود و نهصد و پنجاه کس همراه داشت غزا فرمود و لشکر
اسلام هفتاد شتر و دو اسب یا سه و شش زره و هشت شمشیر بیش نبود و درین غزوه
فتح پیغمبر را صلی الله علیه و آله وسلم را بود و ابوجهل و عتبه و شیبه و ولید بن عتبه و امیه
بن خلف با هفتاد کس از صنادید قریش کشته شدند و هفتاد کس اسیر شدند و غنایم ایشان

بدست مسلمانان افتاد وازاهل اسلام چهارده کس از مهاجرین وانصار شهید شدند دوم غزوه احد است که در هفتم شوال سال سیم از هجرت واقع شد ابوسفیان وعکرمه بن ابی جهل وصفوان بن امیه وخالد بن ولید وابوعامر راهب باسه هزار کس بجنگ آنحضرت از مکه آمده بودند پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم با هفصد کس در پای کوه احد با ایشان غزا کرد ودرین غزوه اول ظفر حضرت را بود وبیست ودو کس از کفار کشته شدند ودر آخر نکایتی رسید وحمزه عم آنحضرت را با هفتاد کس شهید کردند وهفتاد دیگر مجروح گشتند وروی مبارک آنحضرت بضرب سنگ مجروح شد وحلقهای خود در رخسار با انوار وی نشست وخون بر روی ومحاسن مبارکش فرود آمد وحضرت امیر المومنین علی علیه السلام بضرب ذوالفقار کفار را منهزم گردانید وآنحضرت را از شر ایشان نگاه داشت وپیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در حق او فرمود لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار بعد از آن کفار بمکه رفتند وحضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بمدینه مراجعت فرمود سیوم غزوه بنی المصطلق است که در شعبان سال پنجم از هجرت در موضع مریسیع دست داده وپیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم درین غزوه فرمود وده کس از کفار که مقدم ایشان حارث بن ابی ضرار بود کشته شدند واز مسلمانان یک کس شهید گشت واموال واسباب وزنان



ایشانرا برده واسیر کردند چهارم غزوه خندق است که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم برگرد مدینه ولشکر خود بصواب دید سلمان فارسی خندقی حفر فرموده بود وآنرا غزوه احزاب نیز گویند ودر ذی القعده سال پنجم واقع شده ابوسفیان با ده هزار کس برگرد خندق فرود آمده بود ومسلمانان با ایشان مدت بیست روز محاربه مینمودند ودرین غزوه عمرو بن عبدود که از مشاهیر مبارزان قریش بود بر دست امیر المومنین علی علیه السلام بقتل آمد بعد از بیست روز چون کفار را کار از پیش نرفت وخوف وهراس بر ایشان غالب شد بمکه بازگشتند ومسلمانان از شر ایشان خلاص یافتند درین غزوه تیری بر دست سعد بن معاذ رسید وبعد از فتح بنی قریظه بدان درگذشت پنجم غزوه بنی قریظه است پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در همان روز که از غزوه خندق با کفار حاضر گشته بپای قلعه ایشان رفت وبعد از پانزده شبانروز فتح کرد وبصواب دید سعد بن معاذ مردان ایشانرا که بروایتی ششصد وبروایتی نهصد کس بودند فرمودند تا گردن زدند وکودکان ایشانرا برده گرفتند واموال ایشانرا میان مسلمانان قسمت فرمودند ششم غزوه خیبر است که در سال ششم از هجرت واقع شده وآن هفت قلعه بود ودرهم حضرت امیر المومنین علی علیه السلام در یک روز پنج قلعه فتح فرمود وبچهار قلعه

دیگر به نیمه مال صلح کرد شجاعت و مبارزت آنحضرت در استخلاص این قلاع مشهور است درین غزوه پانزده کس از مسلمانان بشهادت رسیدند و نود و سه کس از یهود کشته شدند **هفتم** فتح مکه است که در رمضان سال هشتم از هجرت واقع شده پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با ده هزار مرد بمکه رفت و بعضی از اهل مکه در موضعی که آنرا خندمه خوانند با مقدمه لشکر اسلام جنگ کردند از صحابه سه کس شهید شدند و از اهل مکه بیست و چهار کس بقتل آمدند و شهر مسخر گشت و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کعبه معظمه پاک گردانید و اهل مکه مسلمان شدند **هشتم** غزوه حنین است که در ششم ماه شوال سال هشتم واقع شده پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از فتح مکه با ده هزار کس بحنین رفت بحرب کفار هوازن و ثقیف و امیر هوازن مالک بن عوف نصری و پیشوای ثقیف کنانه بن عبد یالیل ثقفی بود و با ایشان چهار هزار مرد بود درین غزوه اول شکست بر مسلمانان افتاد و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت امیر المومنین علی علیه السلام و عباس و ابو سفیان بن الحارث بن عبد المطلب و شش کس دیگر از بنی هاشم ثبات قدم فرمودند تا مسلمانان بر وی جمع شدند و بر کفار حمله کردند هفتاد کس از کفار کشته شدند و چهار کس از مسلمانان شهید گشتند و اموال و اسباب

هوازن و ثقیف بدست مسلمانان افتاد **نهم** غزوه طایف است که هم در ماه شوال سال هشتم واقع شده پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بقصد عوف بن مالک و جمعی از هوازن و ثقیف که از حرب حنین فرار کرده بودند و در حصارهای طایف متحصن گشته متوجه شد و هفده شبانروز آن طایفه را محاصره کرد و دران مدت جنگهای عظیم واقع شد و جمعی کثیر از اصحاب جراحت یافتند و دوازده کس شهید شدند بعد ازان از پای حصار فتح ناکرده کوچ فرمود و بمنزل جعرانه آمد و غنایمی که از حرب طایف بدست مسلمانان آمده بود دران موضع قسمت فرمود درین منزل بیست و چهار کس از هوازن از حصار طایف بیرون آمده مسلمان شدند و نزد آنحضرت آمده از اسلام سایر خبر دادند و از عقب ایشان مالک بن عوف نیز بیامد و مسلمان شد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تمام اموال هوازن را بایشان باز داد و بالجمله آنحضرت در زمان نبوت سیزده سال در مکه اقامت نمود و ده سال در مدینه و درین مدت اهل مکه و مدینه و طایف و یمن مسلمان شدند و قبایل عرب از هر طرف میل مسلمانی کردند و باسلام درآمدند و قواعد دین تکمیل یافت و اشعه انوار دین حنیف منتشر گشت و آثار ظلمت و کفر و ضلالت محو شد و اصحاب که بجانب حبشه هجرت کرده بودند و مقدم

ایشان جعفر طیار بود باز آمدند و آنحضرت بعث رسول از مدینه بپادشاهان اطراف
فرستاد و بهر یک نامه نوشت و ایشانرا باسلام خواند عمرو بن امیه زمری را
بنجاشی ملک حبشه فرستاد نجاشی نامه پیغمبر را علیه السلام احترام فرمود و از تخت
فرود آمد و باادب بر زمین نشست و نامه را مطالعه نمود و جواب نامه نیکو نوشت
و تحفها فرستاد و مسلمان شد دحیه بن خلیفه کلبی را بهرقل قیصر روم فرستاد
و او نیز جواب خوب نوشت عبدالله بن حذافه سهمی را بپرویز پادشاه ایران فرستاد
مسلمان نشد و نامه را پاره کرد و در حق رسول صلی الله علیه و آله وسلم ناسزا گفت
آنحضرت او را نفرین کرد بدین سبب ملک او برافتاد و کشته شد و از نسل او کسی
دیگر از پادشاهی تمتع نیافت حاطب بن ابی بلتعه را بمقوقس باسکندریه فرستاد
و مسلمان نشد اما نامه را جواب نوشت بعضی گویند دلدل از آن تحفهاست که بحضرت
امیرالمؤمنین علی علیه السلام بخشید شجاع بن وهب اسدی را بحارث غسانی بشام
فرستاد مسلمان نشد و نامه را نیز جواب نوشت سلیط بن عمرو عامری را بجوزه حنفی
پادشاه یمامه فرستاد مسلمان نشد و نامه را جواب نیکو نوشت اما سلیط را
جامهای خوب پوشانید و انعامی فراخور داد علامی حضرمی را بمنذر بن ساوی

۸

بو طلحه انصاری باشارت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بحفر قبر مشغول شد و لحد کرد
و حضرت امیرالمؤمنین و عباس و فضل آنحضرت را در قبر نهادند و صورت قبر رسول
صلی الله علیه و آله وسلم را چنانکه اکنونست راست کردند و پسران مبارک آنحضرت را
بعد از وفات بغیر از فاطمه علیها السلام فرزندی دیگر نمانده و مادر وی خدیجه است
علیها السلام والتحیة و در معجزات و خوارق عادات و شمایل و فضایل و کرایم اخلاق
آنحضرت مجلدات پرداخته اند این مختصر احتمال آن نکند و اعظم معجزات قرآنست
که تا قیامت باقیست **نظم** تا شب نیست روز هستی زاد آفتابی چو او ندارد یاد
فیض فضل خدای دایه او فر پر همای سایه او اوست نقد ینه خزینه جود
همه عالم طفیل و او مقصود **فصل اول** در ذکر ائمه هدی علیهم التحیة والثنا و ایشان
دوازده امام اند **امام اول** حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که پسر عم اعیانی
حضرت مصطفی و زوج بتول فاطمه زهراست صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین ولادت
آنحضرت روز جمعه سیزدهم ماه رجب و بروایتی سیوم شعبان بعد از عام الفیل بسی سال
در حرم مکه بود مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد منافست که بفضایل بسیار
و برکات بیشمار اتصاف دارد کنیت مشهور آنحضرت ابوالحسن و ابوترابست و لقب

ملک بحرین فرستاد مسلمان شد و جواب نیکو نوشت پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلم
در سال دهم از هجرت با اهل و بیت و اصحاب بکعبهٔ معظمه برد و آنرا حجة الوداع
گویند در حین معاودت در غدیر خم باصحاب گفت الست اولی بالمؤمنین
انفسهم یعنی نیستم من اولی بمؤمنان از نفسهای ایشان آنگاه فرمود بدرستی که
خدای تعالی مولای منست و من مولای جمیع مؤمنانم بعد از ان دست حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام را بگرفت و فرمود من کنت مولاه فعلی
مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله
چون بمدینه رسید در ماه صفر بیمار شد و چنانکه شیخ جمال الدین الحسن ابن
مطهر حلّی در تحریر آورده پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در بیست و هشتم صفر
سنه عشر من الهجره از دار فنا بدار البقا رحلت فرموده و بعضی گفته اند در ماه ربیع
الاول سنه احدی عشر من الهجره آنحضرت از عالم رفته امیر المؤمنین علی علیه السلام
و عبّاس و فضل و قثم پسران عباس در غسل آنحضرت حاضر بودند امیر المؤمنین علی
علیه السلام آنحضرت را بشست و دیگران مدد کردند و چون تجهیز و تکفین کردند
حضرت امیر المؤمنین نماز گزارد و در همان خانه که آنحضرت در آنجا از عالم رفته بود



تشریفش مرتضی و امیر المؤمنین و یعسوب المسلمین بعد از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم امام بحق و افضل عالم و غوث اعظم و خلیفة الله و وارث علوم
نبی و وصی رسول و ولی جمیع مؤمنانست و مقصود از آیهٔ انما ولیکم الله و سورهٔ هل اتی
و صاحب قول لو کشف الغطا ست در همه مشاهد و غزوات رفیق حضرت مصطفی
بوده مگر در غزوهٔ تبوک که پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلم آنحضرت را در مدینه قائم مقام
خود کرده بود و در شان او فرموده انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی و در وقتی
دیگر فرموده علی منی و انا منه همیشه کافهٔ علما مؤمنین در مسائل مشکله از مشکاة
علم آنحضرت بمقتضای حدیث صحیح مصطفوی که انا مدینة العلم و علی بابها و بمؤدای قول صریح
مرتضوی سلونی ما دون العرش مستفید بوده اند و پیوسته عامهٔ برایای مسلمین از مصباح
کرامات و خوارق عادات آنحضرت مقتبس و مستفیض گشته مناقب و فضایل
و خوارق عادات و مواظبت بر عبادت و حلم و علم و کرم و سایر خصایل سنیه
و شمایل علیه از آنحضرت بیش از انست که بتقریر زبان و تحریر بیان استقصای
آن توان نمود کفی فی فضل مولانا علی وقوع الشک فیه انه الله در اواخر ذی الحجه
سنه خمس و ثلثین من الهجره مسلمانان در مسجد رسول صلی الله علیه وآله وسلم با آنحضرت

بیعت کردند و مقصدی انتظام کافه انام گشت جهان از آفتاب هدایت آن
حضرت نورانی شد معاقد دین منیف تقویت و ترویج یافت و مبانی شرع
شریف تأسیس و تشیید پذیرفت و اهل عالم در سایه مرحمت آنحضرت بسعادت
دارین فایز گشتند بعد از آن آنحضرت را سه بار با مخالفان به نوبت جنگ واقع
شده اول جنگ جمل است که در ماه جمادی الآخر سنه ست و ثلثین من الهجره اتفاق
افتاد درین جنگ در بصره از مخالفان که ایشان را ناکثین خوانند طلحه و زبیر با جمعی
کثیر کشته شدند و حق بر باطل غالب آمده آنحضرت نصرت یافت و بکوفه تشریف
ارزانی فرمود و آنرا دار الخلافه ساخت دوم جنگ صفین است که در صفر سنه سبع
والثلثین من الهجره با معاویه و اهل شام دست داد و مدت حرب صد روز متمادی
شد و قریب پنجاه هزار کس و بروایتی هشتاد هزار از اهل شقاق که ایشان را قاسطین
گفته اند در جنگ کشته شدند و از جانب حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام عمار
یاسر که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بود که او بر دست اهل بغی کشته شود
و ذو الشهادتین خزیمه بن ثابت انصاری از صحابه کبار و اویس قرنی از تابعین با جمعی کثیر
شهادت یافتند در آخر چون شامیان بمکر عمرو عاص مصحفها بر سر نیزها کردند

و گفتند ما شما را بکتاب خدا میخوانیم لشکر امیر المؤمنین علی علیه السلام بعضی در
جنگ سستی کردند آنحضرت معاودت فرموده بجانب کوفه روان شد و معاویه
بشام رفت سوم جنگ نهروان است که در سنه ثمان و ثلثین با خوارج که ایشان را
مارقین خوانند واقع شد جمله خوارج که چهار هزار کس و بروایتی شش هزار کس بودند
کشته شدند مگر نه تن که بیرون رفتند و ذو الثدیه که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
از قتل او خبر داده بود از خوارج درین جنگ بقتل آمد و حضرت امیر علیه السلام
فتح فرموده بکوفه مراجعت فرمودند و دیگر باره عزم جنگ معاویه و اهل شام داشتند
درین اثنا عبد الرحمن ملجم علیه اللعنه بوقت صبح نوزدهم رمضان سنه اربعین
من الهجره و بروایتی هفدهم رمضان در مسجد کوفه آنحضرت را زخم زد و کارگر آمد و در
شب بیست و یکم رمضان مذکور بدار جنان و روضه رضوان خرامید فی مقعد
صدق عند ملیک مقتدر مدت عمر شریف آنحضرت شصت و سه سال بقول شیخ شهید
و مشهد مبارکش نجف کوفه است که تا انقراض زمان مقصد جهانیان و مطلب
عالمیانست و آنحضرت را بروایت شیخ مفید بیست و هفت فرزند بوده
امام حسن و امام حسین و زینب کبری و زینب صغری که کنیت ام کلثوم است

و مادر ایشان فاطمه بنت رسول الله صلّی الله علیه و آله وسلم و محمد حنفی کنیت
ابوالقاسم است و مادر او خوله بنت حنیفه و عمر و رقیه توامانند مادر ایشان
ام حبیب بنت ربیعه و عباس و جعفر و عبدالله و عثمان مادر ایشان لیلی
بنت عمیس خثعمیه است و ام الحسن و رمله مادر ایشان ام مسعود بن عمرو بن مسعود
ثقفی است و نفیسه و رقیه صغری و امهانی و ام الکرام و ام جعفر و امامه و ام سلمه
و میمونه و خدیجه و فاطمه از امهات مختلف **امام دوم** امام حسن بن علی مرتضی
صلوات الله و سلامه علیهما آنحضرت بعد از والد بزرگوار خود افضل و اکرم اهل عالم است
و فرزند نخستین امیرالمؤمنین و فاطمه بنت سید المرسلین کنیت آنحضرت ابو محمد است
و لقب تقی و طیب و زکی و سید ولادت آنحضرت روز سه شنبه منتصف رمضان
سنه اثنین من الهجره در مدینه بوده بعد از وفات حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
اهل عراق با او بیعت کردند این خبر بمعاویه رسید بمحاربه برخاست و آهنگ
عراق کرد حضرت امام نیز با لشکر عراق برابر رفت و چون بعضی از اهل عراق در مقام
غدر شدند و آنحضرت در ربیع الاول سنه احدی و اربعین من الهجره امر حکومت
بمعاویه بازگذاشت و در مدینه شریفه توطّن فرمود و بعبادت مشغول گشت و در آخر

باغوای معویه الماس سوده در کوزه آنحضرت ریختند و آنحضرت را مسموم ساختند
مدت چهل روز بیمار بود و در روز پنجشنبه هفتم صفر سنه تسع و اربعین و بروایتی سنه
خمس و اربعین بعالم بقا انتقال فرمودند و در بقیع مدفون شدند مدت عمر شریفش
چهل و هفت و بروایتی چهل و هشت سال بود و آنحضرت را بروایت شیخ مفید پانزده
فرزند بوده زید و ام الحسن و ام حسین مادر ایشان ام بشیر بنت ابی مسعود است
و حسن مادر او خوله بنت منظور و عمرو و قاسم و عبدالله مادر ایشان ام ولده بوده
و عبدالرحمن مادر او نیز ام ولده بوده و حسین اثرم و طلحه و فاطمه مادر ایشان
ام اسحق و ام عبدالله و ام سلمه و رقیه از امهات مختلف و عقب از اولاد کرام
آنحضرت از زید و حسن باقی مانده **امام** سیوم امام حسین بن امیرالمؤمنین علی علیه السلام است
ولادت آنحضرت چنانچه شیخ شهید در دروس نقل نموده آخر شهر ربیع الاول سنه
ثلث من الهجره و بروایتی روز پنجشنبه سیزدهم رمضان بوده و بروایت شیخ مفید پنجم
شعبان سنه اربع بوده کنیت آنحضرت ابو عبدالله است و لقب رشید و طیب
و وفی و سید و زکی و مبارک و سبط و التابع لمرضات الله بعد از برادر بزرگوار خود
امام حسن عم اشرف و افضل عالمیانست چون معاویه در رجب سنه ستین رخت بربست

اهل عراق بطلب آنحضرت فرستادند آنحضرت مسلم بن عقیل را که ابن عم آنحضرت بود از پیش بکوفه فرستاد و قریب بیست هزار کس به بیعت در آمدند و صورت حال عرضه داشت حضرت امام علیه السلام نموده آنحضرت را طلب داشتند درین اثنا عبید الله زیاد بفرموده یزید علیهما اللعنه از بصره بکوفه آمده مسلم را بقتل آورد و چون حضرت امام از مکه بعراق آمد اهل عراق خلاف کرده با عبید الله زیاد در قصد آنحضرت متفق شدند و آنحضرت را با هفتاد و دو تن و بروایتی هشتاد و دو تن از اهل بیت و اتباع روز جمعه عاشر محرم سنه احدی و ستین شهید ساختند مدت عمر شریف آنحضرت پنجاه و شش سال و پنجاه و هشت روز بوده جسد مبارک آنحضرت علیه السلام با سایر شهدا در حایر بدشت کربلا مدفون گشت اولاد آنحضرت در بعضی روایات شش اند علی اکبر کنیت او ابو محمد و مادر او شاه زنان دختر کسری یزدجرد شهریار که ملک عجم بود و علی اصغر مادر او لیلی بنت ابی مره که در کربلا شهید شد ببعض روایات او را علی اکبر گویند و جعفر مادر او قضاعیه که در زمان حیات حضرت امام علیه السلام وفات یافته و عبد الله که در کودکی در جنگ کربلا تیری بدو رسید و شهید شد و سکینه مادر ایشان رباب بنت امرء القیس و فاطمه مادر او ام اسحق بنت طلحه

و بعضی گفته اند که او را پسری دیگر بوده که او را علی اوسط میگویند

## امام چهارم

امام علی زین العابدین بن امام حسین بن علی مرتضی صلوات الله علیهم اجمعین کنیت آنحضرت ابو محمد و ابو القاسم و بروایتی ابو الحسن است و لقبش سید العابدین و سجاد و ذو الثفنات بود بعد از امام حسین امام و افضل اهل عالم است ولادتش بروایت شیخ شهید روز یکشنبه پنجم شعبان سنه ثمان و ثلثین در زمان حیات امیر المؤمنین علیه السلام و مادرش شاه زنان دختر کسری چنانچه گذشت آنحضرت در روز واقعه هایله امام حسین علیه السلام بیمار بود اتباع یزید لعین آنحضرت را با مخدرات اهل بیت بشام بردند و یزید ملعون ایشان را بمدینه فرستاد و آنحضرت در جوار مرقد منور حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ساکن شد و چون سن شریفش به پنجاه و هفت سال رسید بروایت شیخ شهید روز شنبه دوازدهم محرم سنه خمس و تسعین و بروایتی سنه اربع و تسعین بتسمیم اعدای اعدای دین بجوار قدس حضرت رب العالمین انتقال فرمود و در بقیع مدفون گشت و آنحضرت را پانزده فرزند بود امام و قایم مقام محمد باقر مادرش ام عبد الله و بروایتی ام حسن بنت ابی محمد حسن بن علی بن ابی طالب است و زید و عمر مادر ایشان ام ولد

بود و عبدالله و حسن و حسین والده ایشان نیز ام ولد و حسین اصغر و عبدالرحمن
و سلیمان مادر ایشان نیز ام ولد و علی که خوردتر فرزندان بود با خواهر خود خدیجه نام
نیز از ام ولد است و محمد اصغر نیز مادرش ام ولد است و فاطمه و علیه و ام کلثوم
والده ایشان معلوم نیست که ام ولد یا غیر ام ولد بوده و بروایتی عبیدالله نیز
از اولاد کرام حضرت امام است و بعبیدالله اعرج مشهور است و سادات نبی المختار
از نسل وی اند امام پنجم امام محمد باقر بن امام علی زین العابدین علیهما السلام کنیت
آنحضرت ابوجعفر و لقب شاکر و هادی و شهیرترین لقبهای وی باقر است جهت تبقر
آنحضرت یعنی توسعش در علم نسب شریف آنحضرت از دو جهت منتهی میشود بحضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب پدر و از جانب مادر چنانچه مذکور شد بعد از
حضرت امام زین العابدین خلیفه و قایم مقام بامامت اوست شیخ مفید گوید آنچه
از علم دین و آثار روشن و علم قرآن و سیرت و فنون آداب از امام محمد باقر
علیه السلام ظاهر شد از دیگر اولاد امام حسن و امام حسین علیهما السلام ظاهر نشده
ولادت آنحضرت بروایت شیخ شهید روز دوشنبه سیوم صفر سنه سبع و خمسین و بروایتی
روز جمعه غره رجب سنه مذکوره در مدینه شریفه بود و عمر عزیزش بروایت اصح

پنجاه و هفت سال بود و رحلت آنحضرت بروایت شیخ شهید روز دوشنبه
هفتم ذی الحجه سنه اربع و عشر و مایه بود و در اکثر کتب مسطور است که در زمان ولید
بن عبدالملک مروان بسعی ابراهیم بن ولید مسموم شد حضرت امام جعفر علیه السلام
متصدی غسل آنحضرت شده بعد از قیام بلوازم تجهیز و تکفین در بقیع نزد جد
عالیمقدار و والد بزرگوار مدفون گشت اولاد آنحضرت بروایت شیخ مفید هفت اند
ابوعبدالله جعفر بن محمد و عبدالله بن محمد مادر ایشان ام فروه دختر قاسم بن محمد بن
ابی بکر بود و ابراهیم و عبیدالله والده ایشان ام حکیم بنت اسد و علی و زینب مادر
ایشان ام ولد و ام سلمه مادرش زینب و نزد بعضی آنست که امام را دختر همین
ام سلمه بود امام ششم امام جعفر صادق بن امام محمد باقر است کنیت مبارکش ابوعبدالله
و ابو اسمعیل نیز گفته اند و لقب همایونش صابر و فاضل و طاهر و مشهورترین القاب
او صادق است آنحضرت در زمان امامت خود اشرف اولاد رسول و اکرم احفاد بتول
بود و امام عالمیان حضرت امام محمد نص فرموده بر امامت امام جعفر صادق همچنانکه
حضرت رسول صلی الله علیه و سلم نص کرده بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
و حضرت امیرالمؤمنین بر امامت امام حسن و امام حسن نص کرده بر امامت امام حسین

وهمچنین هر امامی امامت امام دیگر نص فرموده تا منتهی شده سلسلهٔ امامت
بامام حجّة القایم محمّد المهدی صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین واین نصوص بطریق
تواتر خلف از سلف نقل کرده اند ولادت آنحضرت چنانچه شیخ شهید در دروس آورده
روز دوشنبه هفدهم ربیع الاول سنه ثلاث وثمانین بوده در مدینهٔ شریفه وصاحب
کشف الغمه روایت دوم را اصح گفته والدهٔ آنحضرت ام فروه دختر قاسم بن محمد بن
ابی بکرست چنانچه گذشت در ایام حیوة پدر بزرگوار وجد امامت آثار بدوازده سالکی
رسید وبعد از وفات جد شریف خود امام علی ابن الحسین علیهما السلام نوزده سال دیگر
در خدمت پدر نامور گذرانید وبعد از وفات پدر بزرگوار سی وچهار سال زمان امامت
آنحضرتست پس عمر مبارکش شصت وپنج سال بوده باشد وفات آنحضرت بروایت
شیخ شهید در شوال وبروایتی روز دوشنبه منتصف رجب سنه ثمان واربعین ومایه
بوده مدفن عالیش در بقیع پهلوی مرقد شریف امام محمد باقر وامام زین العابدین
وامام حسن صلوات الله وسلامه علیه واقع شده وبروایت طبرسی آنحضرت راده فرزند
بوده اسمعیل وعبد الله وام فروه مادر ایشان فاطمه بنت الحسین الاثرم بن حسن بن علی
بن ابی طالبست حضرت امام موسی واسحق وفاطمه ومحمد از حمیده بربریه که ام ولد بوده متولد



شده اند وعباس وعلی واسما از امهات اولاد اند اما اسمعیل بزرکترین برادران
خود اند وحضرت امام جعفر را با او محبت وشفقت بسیار بود چنانچه گروهی
از شیعه در حیات امام گمان بردند که بعد از امام قایم مقام او خواهد بود ولیکن
در حیات پدر وفات یافت ودر محل حمل جنازه تا رسیدن بمرقد حضرت امام
چند نوبت بوضع جنازهٔ اسمعیل امر فرموده هر نوبت روی مبارکش را گشوده
بمردم مینمودند تا موت او بمردم یقین گردد ودر بقیع مدفونست وبعد از وفات
اسمعیل از خواص امام جمعی که گمان امامت او داشتند ازان رجوع کردند وبعضی که
از خواص امام نبودند از دوران بودند بحیات او قایل شدند بعد از آنکه امام فوت شد
فرقهٔ ازین طایفه که قایل بحیات اسمعیل بودند ازان اعتقاد برگشته بامامت امام موسی
علیه السلام قایل شدند وباقی این طایفه دو فرقه شدند یکی ازان دو قایل بامامت
محمد بن اسمعیل گشتند بگمان آنکه اسماعیل امام بوده پسر احق است بامامت از برادر ودیگری
بحیات اسماعیل قایل بودند دعوی امامت او کردند واین هر دو گروه را اسماعیلیه
گویند وعبد الله جعفر بعد از اسماعیل از باقی برادران بزرگتر بود بعد از فوت
حضرت امام دعوی امامت کرد وبامامت امام موسی قایل نشد وتابعان ویرا فطحی خوانند

جهت آنکه عبدالله پاهای بزرگ داشت وافطح مرد بزرگ پای را گویند با آنکه
داعی ایشان بدین مذهب عبدالله بن افطح بود امام محمد بن جعفر بر عقیده زیدیه بود که
امام را خروج بسیف لازم است و او سخی و شجاع بود و بدین باج مشهور است روزی روزه
داشتی و روزی افطار کردی و بر مامون در سنه تسع وتسعین خروج کرد و عیسی جلودی
بقتال او رفت واصحاب او منهزم شدند و او را گرفته نزد مامون فرستاد و مامون او را
گرامی داشت و در خراسان با مامون میبود تا در سنه ثلاث ومائتین وفات یافت
در تاریخ گزیده آورده که قبر امام محمد بن امام جعفر صادق علیهما السلام در جرجانست
و بگور سرخ مشهور در تاریخ مرآت الجنان آورده که مامون او را بدست خود در قبر
نهاد اما اسحق بن امام جعفر صادق علیهما السلام بغایت متورع و فاضل و مجتهد بود و از او
روایت واحادیث و آثار بسیار است و ملازمت حضرت امام موسی را لازم داشت
و قائل بامامت او و بعد از و بامامت حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا و بعد از آن بامامت
امام محمد جواد علیه السلام بود و از پدر خود امام جعفر صادق نص برادر خود امام موسی علیهما التحیة
والثنا نقل مینمود و عباس بن جعفر صادق نیز مرد بزرگ بوده امام هفتم امام موسی
بن امام جعفر صادق علیهما السلام است کنیت شریفش ابوالحسن و ابو ابراهیم و ابو علی

و ابو اسماعیل نیز گفته اند و لقب عبد صالح و کاظم لقب مشهور آنحضرت از کثرت
تحمل و بردباری و صبر بر محنت و بعضی صابر و امین و صالح را نیز القاب او شمرده اند
بعد از پدر بزرگوار مسندنشین امامت و ولایت بود و ولادت آنحضرت بروایت
اصح در سنه ثمان و عشرین و مایه بوده در روز یکشنبه هفتم صفر بمنزل ابواء که میان
مکه و مدینه است و بعضی گفته اند سنه سبع و عشرین و مایه بوده در آخر عهد بفرموده
هرون بحبال محبوس بود بعد از انتقال آنحضرت را ببغداد نقل کردند و بفضل بن ربیع
سپردند و مدتی در آن حبس ماند بعد از آن او را از فضل بن ربیع گرفته بفضل بن
یحیی برمکی سپردند و فضل بن یحیی در شرایط خدمتکاری آنحضرت تقصیر نمیکرد
بنابرین هارون بر فضل بن یحیی غضب کرد و سندی بن شاهک مطعوم آنحضرت با خرمایی که
بسیل میفرمود مسموم کرده بخورد آنحضرت داد و آنحضرت را از آن معنی اخبار فرمودند
که زهر در خوردنی من کردند فردا رنگ بدن من بزردی بعد از آن بسرخی بعد از آن بسیاهی
میل خواهد کرد و در سه روز این الوان بر جسم مبارک آنحضرت ظاهر شده و دیعت
حیات بخالق حیات و ممات سپرد و این واقعه بروایت شیخ شهید در بیست و چهارم
رجب سنه ثلاث و ثمانین و مایه واقع شده و بروایتی روز جمعه بیست و پنجم رجب سنه

احدی وثمانین ومایه واقع شده وآنحضرت را بمقبره که بنی هاشم را آنجا می بردند
ویمقابر قریش اشتهار داشت بردند وآنجا بجوار رحمت الهی سپردند ودرین سالها در
زمان هدایت نشان کثیر الاحسان اعلیحضرت پادشاه عالمیان ابوالمظفر شاه اسمعیل
بهادرخان الصفوی الحسینی تغمده الله بغفرانه واسکنه فرادیس جنانه که بفرموده آنحضرت
بر سر قبر مبارک حضرت امام علیه السلام گنبد بزرگ وعمارت عالی ساختند و
در جمیع مشاهد ایمه علیهم السلام آن قدر وظایف مقرر داشتند که در هیچ زمان مثل آن
نبوده مادر آنحضرت چنانچه مذکور شد ام ولد حمیده بربریه بوده واولاد امجاد آن حضرت
بروایتی سی وهفت بوده اند وبروایتی سی وهشت بیست پسر وهجده دختر اما اولاد ذکور الامام
الهمام ابوالحسن علی رضا والنجبه والنسا وزید وابراهیم وعقیل وهرون وحسن وحسین
وعبدالله ومحمد واحمد وجعفر ویحیی واسحق وعباس وابوالقاسم حمزه که نسبت نسب
والا رتبت سادات عالیه علیه صفویه جعلهم الله بالانوار القدسیه بآن امام زاده منتهی میگردد
وتفصیل آن مذکور خواهد شد انشاالله تعالی دیگر عبدالرحمن وقاسم وجعفر الاصغر واما
دختران خدیجه وام فروه واسما وعلیه وفاطمة الکبری وفاطمة الصغری وام القاسم وحکیمه
واسما الصغری ومحموده وامامه ومیمونه ودرمیان اولاد آنحضرت امام زاده احمد متصف بمزید



کرم بوده واز کمال کرم وتقوی وورع نزد والد بزرگوار خود محترم بودی
وامام زاده محمد نیز بصفت تقوی وکرم اتصاف داشت وابراهیم بطریق
کرم وشجاعت سلوک میکرد وسایر اولاد آنحضرت هر یک آراسته بزیور کمال
ومزین بانواع فضل وافضال بودند امام هشتم امام علی رضا ابن امام موسی بن امام
جعفر صادق است علیهم السلام کنیت آنحضرت ابوالحسن ولقبش صابر وراضی
ووفی ومشهورترین القابش رضاست جهت آنکه راضی بودند موافق ومخالف
از آنحضرت وعلی سیوم از ایمه وحجت هشتم بر امه آنحضرتست ولادت شریفش
بروایت شیخ شهید روز پنجشنبه یازدهم ذی الحجه سنه ثمان واربعین ومایه بوده
وبروایتی در یازدهم ذی الحجه سنه ثلاث وخمسین ومایه در مدینه شریفه والده
آنحضرت ام ولد مسما بشقرا ولقبه نوبیه بوده بروایتی تجمه وبروایتی تکتم نام داشت
در زمان مامون رجاء بن ضحاک را که خال مامون بود با جمعی از معتبران بجانب حضرت
امام علیه السلام بمدینه فرستاد وآنحضرت را باعزاز واکرام از مدینه بمرو آوردند
در روز پنجشنبه رمضان سنه احدی ومایتین بولایت عهد مامون در مجمع عظیم بآنحضرت
بیعت کردند ونام مبارک آنحضرت را در خطبه وسکه در آوردند ولباس سیاه عباسیان

بلباس سبز علویان تبدیل کردند و بعد از مدتی رای مامون را بر حضرت امام تغییر دادند
و آنحضرت را مسموم ساختند و این صورت در طوس در ماه صفر سنه ثلاث
و مایتین واقع شده و بروایتی در ماه رمضان و قبر آنحضرت در سناباد از موضع
نوقان از اعمال طوس است و آن مشهد را چنانچه در تاریخ آورده سور ابن معتز
که در زمان سلطان محمود غزنوی حاکم نیشابور بود عمارت کرد و آنحضرت را شش
فرزند بود ابو جعفر ثانی و الامام محمد الجواد و التقی و ابو محمد الحسن و جعفر و ابراهیم و حسین
امام نهم امام محمد بن امام ابو الحسن علی بن موسی الرضاست صلوات الله و سلامه
علیهم کنیت آنحضرت ابو جعفر ثانی است چه آنحضرت در اسم و کنیت موافق حضرت
امام ابو جعفر محمد باقر است و القاب آنحضرت منتخب و تقی و جواد و مرتضی و قانع و زکی است
ولادت آنحضرت در مدینه شریفه نوزدهم ماه رمضان سنه خمس و تسعین و مایه بوده
والده آنحضرت ام ولد بود که حضرت امام رضا علیه السلام او را خیزران نام فرموده بود
و او از اهل بیت ماریه قبطیه است آنحضرت در زمان مامون بسیار معزز و مکرم بود مامون
دختر خود ام الفضل را بدو داد و چون نوبت بمعتصم رسید آنحضرت را در بیست و ششم
محرم سنه عشرین و مایتین از مدینه بغداد آوردند و در روز سه شنبه آخر ذی العقده سنه مذکور



بعالم بقا انتقال کرد و بروایتی بسم از عالم رفت مدت آنحضرت بیست و پنج سال و
دو ماه کسری بوده مدت امامتش هفده سال تقریبا در بغداد بعقب جد بزرگوار ابو الحسن
موسی کاظم در مقابر قریش مدفون شد سلام الله تعالی علیهم اجمعین فرزندان آنحضرت
چهار بودند امام علی هادی و فاطمه و امامه امام دهم علی بن محمد بن امام ابو الحسن
علی موسی الرضاست صلوات الله علیهم اجمعین القاب آنحضرت صلوات الله علیهم
ناصح و فتاح و نقی و متوکل است و چون در سر من رای که آنرا عسکر گویند اقامت داشت
او را عسکری نیز گویند ولادت آنحضرت چنانچه شیخ شهید در دروس آورده و صاحب
کشف الغمه از شیخ مفید نقل کرده منتصف ذی الحجه سنه اثنی و عشر و مایتین بوده
و باکثر روایات سنه اربع و عشر و مایتین است در موضع صریا از مدینه والده آنحضرت
ام ولد سمانه مغربیه است و در روز دوشنبه سیوم رجب سنه اربع و خمسین و مایتین در سر من
رای بروضه رضوان خرامید و قبر مبارک آنحضرت مشهد سر من رای است و آنحضرت را
چهار فرزند بود باختلاف روایات ابو محمد حسن العسکری و حسین و جعفر المشهور بالکذاب
و یک دختر عالیه و بعضی عالیه را نام نمیبرند و علی را می افزایند و الله اعلم بالصواب
امام یازدهم حسن بن علی ابن محمد بن امام ابو الحسن علی موسی الرضاست صلوات الله

هراة بنهایت خود داشت غزنین دار الملک آن آثار او مسجد جامع هراتست که در سنه
اربع و تسعمایه امیر علیشیر او را تجدید عمارت کرد **شهاب الدوله** ابو المظفر بن سام
بن حسین بعد از برادر پادشاه شد چهار سال حکومت کرد بعد ازان در حالت
نماز گزاردن فدائیان هندی او را شهید کردند و در تاریخ وفات او شاعری گفته

شهادت ملک بحر و بر شهاب الدین — کز ابتدای جهان مثل او نیامد یک
سیوم ز غرهٔ شعبان و سال ششصد و دو — فتاده در ره غزنین بمنزل دمیک

**محمود بن محمد** بن سام بعد از عمش سلطنت بر وی قرار گرفت مدت هفت سال پادشاهی
کرد در سنه تسع و ستمایه روزی او را در خانه کشته یافتند مملکت غوریان بخوارزمشاهیان
منتقل شد **فصل ششم** در ذکر آل بویه ایشان هفده نفراند مدت ملکشان صد و بیست و
هفت سال صابی دبیر در نسب آل بویه آورده که بویه از تخم بهرام گور است
چون ماکان ابن کاکی بر طبرستان مستولی شد و بعد از چندی بدست قرامطه کشته
گشت مرداویج بن زیار بحکومت در آمده بجای او نشست و بعد از چندی مستولی
شده رودبار و طالقان و رستمدار در ضبط آورد و پس مازندران و ابهر و زنجان
و طارمین مستخلص کرد و تسخیر دیگر بلاد کوشید و در همدان قتل عام و غارت کردند

مرداویج علی بن بویه را با برادران بکرج فرستاد و خود باصفهان رفت علی
بن بویه و برادران بفارس رفتند و در ضبط آوردند و مرداویج را در صفاهان
غلامانش در حمام بکشتند در سنه احدی و عشرین و ثلثمایه از پادشاهی فرو نشست
و علی بن بویه باصفهان رفت و با وشمگیر بن زیاد حرب کرد و او را منهزم گردانید
وشمگیر بطبرستان رفت و ملک فارس و عراق مسلم شد **عماد الدوله** علی بن بویه
در حادی عشر ذی قعده سنه احدی و عشرین و ثلثمایه بپادشاهی نشست عراق
به برادر کهتر حسن داد و او را رکن الدوله لقب کرد و برادر کوچک احمد را باستخلاص
کرمان فرستاد و او را معز الدوله گفت مدت شانزده سال و نیم پادشاهی کرد و در
جمادی الاول سنه ثمان و ثلثین و ثلثمایه درگذشت و برادرزاده عضد الدوله بن
رکن الدوله را ولی عهد کرد **رکن الدوله** حسن بن بویه بحکم برادر در عراق عجم چهل و
چهار سال پادشاهی کرد و عمر او از نود سال زیاده بود در بیست و پنجم محرم سنه
ست و ستین و ثلثمایه درگذشت سه پسر داشت عضد الدوله و مؤید الدوله
و مادر ایشان کنیزک ترکی بود و فخر الدوله از دختر حسن بن فیروزان که پسر عم ماکان بن
کاکی پادشاه طبرستان بوجود آمد رکن الدوله بعد از وفات عماد الدوله مملکت

۳۴۹

از حالات نواب کامیاب اشرف اعلی بر سبیل اجمال و اختصار و دعای دولت روزافزون بسکنه الختام کردانند

الا تا قوافل زفیاض جود پذیرند همواره فیض وجود

دل پاک شه قابل راز باد

در فیض بر خاطرش باز باد

کتبه العبد المذنب

محمد تقی الکاتب

بازبین شد ۱۳۷۱ ش

وقف تفتیش ۱۳۱۰